

(در ابتدا نام ، نام خانوادگی و میزان تحصیلات و رشته تحصیلی خود را در پشت میکروفن ذکر نمایید)

انسان ، جامعه و فرهنگ ؛ این واژه را گرچه به لحاظ مفهومی می توان از هم متمایز کرد ، اما در واقعیت ، ارتباطی بسیار نزدیک ، قطعی و عینی بین آنها وجود دارد . هیچ فرهنگی بدون جامعه نمی تواند وجود داشته باشد و هیچ جامعه ای بدون فرهنگ نیست . همچنین بدون فرهنگ ، ما اصلاً انسان به معنایی که معمولاً مفهوم را می شناسیم نخواهیم بود .

جامعه ، نظام روابط متقابلی است که انسانها بین خود برقرار می کنند و فرهنگ ، شیوه زندگی ، ارزشها ، عادات و رسوم و کالاهایی که تولید می کنند . این ارتباط جدا نشدنی ما را بر آن می دارد تا در بررسی مفهوم فرهنگ به تطور و دگرگونی آن به موازات تغییر و تحولی که در جامعه و نظام های اجتماعی روی می دهد ، توجه کنیم .

سود و سرمایه دین بر سر بازار کنی	خواجه تا چند حساب زر و دینار کنی
خویشان را گه آن نیست که بیدار کنی	شب عمرت بشد و صبح اجل نزدیکست
لیک خود را بستم بیهوده رهوار کنی	به فصاحت ببری گوی زمیدان سخن
اول آن به که طلبکاری عطار کنی	نافه داری بر هر خشک دماغی مگشا

ظاهر شما مهم است اما برای این مسئله بیش از حد لازم ارزش قائل نشوید که باعث شود شما درونتان را ندیده بگیرید ، ظاهر و باطن یک مجموعه واحد ، یعنی شما را بوجود می آورد .

راستی چرا داشتن ظاهر خوب برای ما اینقدر مهم است. می دانیم احساسی در درون ما هست که ما را به این فکر وادار می کند . اما هم شما و هم ما می دانیم که اگر از ظاهر خود متنفر باشید نمی توانید باطن خود را هم دوست داشته باشید بنا بر این اجازه بدهید راجع به این مسئله که ظاهر اهمیت ندارد بحث نکنیم ، ظاهر اهمیت دارد اما نه به اندازه ای که شما فکر می کنید و قاعدتاً نه به طریقی که شما فکر می کنید .